

مسئولیت حقوقی

« ۲ »

کاملاً معقول است که بگوئیم هر کسی قانونی را اطاعت نکرد باید از عهده خسارت آن نیز برآید. عرض حال ضرر و زیان در موارد محاکمات جزائی از این نوع است. اگر از برای عدم اطاعت قانونی یا نظامات قانون جزا مجازاتی قائل شده در ضمن تعقیب جزائی مدعی خصوصی میتواند عرض حال ضرر و زیان بدهد و در مواردی هم میتواند مستقیماً بمحاکم حقوقی برود.

اما تصور کنیم اساساً پیش‌بینی جزائی نشده باشد مثلاً دستورات کلی و آئین‌نامه و غیره گفته باشند در معادن بنوع مخصوصی باید تهویه کرد و با آسانسور عمارات باید دائماً درب بسته داشته باشد و یا روی شیشه‌های دواجات سمی شکل مخصوصی ثبت شود و غیره - آنوقت تکلیف کسیکه این مقررات را اجراء نکرده و بدیگران خسارت وارد کرده چیست و آیا ممکن است بعلت اینکه اطاعت از قانون نکرده مسئولیت حقوقی بگردن او ثابت کرد. جواب این مسئله شاید ساده‌تر از مسئله دیگر باشد اما خود مشکلاتی در بر دارد:

قوانین معمولاً بطور کلی و عموم وضع میشوند ولی برای منظور خاص و معین مثلاً آئین‌نامه است استخراج معادن برای حفظ الصبغة و وضع کارگران معادن وضع شده حال اگر کسی غیر از کارگران و اشخاصیکه برای آنها قانون وضع شده در اثر عدم اطاعت قانون خسارت ببینند میتوانند ادعای غرامت کنند.

و با مثلاً قانونی میگوید رانندگان نباید اتومبیل را روشن و یا با کلید آن در کنار خیابان تنها بگذارند و این برای اینست که مانع دزدی بشود حال کسی اتومبیل را میدزدد و در حین فرار تصادف میکند آیا آثار حقوقی تصادف براننده اصلی که کلید را روی اتومبیل گذاشته است بر میگردد یا بعلت مداخله شخصی دیگری از او منتزع میشود و حال آنکه قانون مذکور اساساً بمنظور تعیین مسئولیت حقوقی وضع نشده بود و برای منع و جلوگیری از تصادف نیز نوشته نشده بوده است

آیا اساساً این قانون در این مورد قابل استناد است و اگر طرف خسارت دیده بقانون استناد کرد طرف دیگر میتواند بگوید که قانون مورد نظر قابل اجراء و انطباق با این مورد نیست چون برای موارد دیگری وضع شده است.

مثال واضح‌تر از این مسئله را روشن میکنم: تصور کنیم نص قانون میگوید که چون لازم است از امراض مسری جلوگیری کرد تمام گوسفندها در کامیونهای سربسته باید حمل و نقل شوند.

مسئولیت حقوقی

حال کسی گوسفند را در کامیون با زحمت و نقل میکند و سه عدد آنها به علت باز بودن درب پرت میشوند و از بین میروند مدعی میگوید قانون نص صریح دارد که درب کامیون را باید بست و اگر اطاعت میشد گوسفند من از بین نمیرفت و مدعی علیه میگوید قانون برای حفظ گوسفند مدعی وضع نشده بود بلکه برای منع امراض مسری بوده و بنابراین اساساً قابل تطبیق و اجراء در این مورد بخصوص نیست.

مسئله را نوع دیگر هم میتوان طرح کرد و قانون رانندگان را بداشتن پروانه رانندگی ملزم کرده و برای متخلفین مجازات قائل شده است. حال کسی بدون داشتن پروانه اتومبیل میراند و تصادف میشود و طرف خسارت دیده به علت عدم اجرای قانون و نداشتن پروانه رانندگی راننده را تعقیب حقوقی میکند.

راننده میگوید درست است که من پروانه نداشتیم اما داشتن پروانه برای مهارت در رانندگی است و من در آن کمال مهارت را بخرج دادم در صورتیکه طرف دیگر که پروانه داشت بی‌بالاتی کرد و به علت آن مدعی خسارت دیده حال تکلیف چیست آیا نداشتن پروانه دلیل کافی بر عقیده مدعی علیه است یا خیر؟

تصور کنیم شخصی کور و کوری از خیابان میگذشت و اتومبیل مدعی علیه بدون روشن و خاموش کردن چراغ خود و بدون بوق زدن که هر دو بر خلاف نص صریح قانون است شخص کور و کور را زیر گرفت. آیا مدعی علیه به علت عدم اطاعت قانونی و نظامات مشمول مسئولیت حقوقی است یا میتواند بگوید حتی اگر قانون را بوجه احسن اجرا کرده بود در این مورد اثری نداشت.

امثال این مسائل را الی غیرالتهایه میتوان ذکر کرد و شاید برای هیچیک منطبق نتواند جواب مثبت و مفید و معنی بدهد و اینجا است که **مقراض قضاوت** لازم است سادهترین مسائل حقوقی که نص قوانین ذکر کرده در عمل گرفتار چنین مشکلاتی میشود و حال - آن قسمتهائی را که اساساً نص صریح ندارند چگونه میتوان حل کرد بدیهی است که جز با قضاوت و قضات متفکر و کمک و کلای متبحر و زحمتکش ممکن نیست

در اینجا باید باختصار قناعت کرد که عدم مواد قانونی بطور کلی ایجاد مسئولیت حقوقی میکند ولی این مسئولیت مطلق نیست یعنی بصرف ثبوت عدم اجرای قانون تمام مسئولیت حقوقی بعهده مرتکب ثابت نمیشود بلکه نوع قانون مورد نظر و مقصود از وضع آن و آثار مترتب شده از عدم اطاعت آن و موقعیت بخصوصی مدعی و مدعی علیه تمام باید تحت تحقیق و دقت قرار گیرند تا بتوان مسئولیت را برگردن یکی یا دیگری قرارداد

ولی بهر حال صرف عدم اجرای قانون و نظامات یکنوع تسامح است که ممکن است ارتباطی با قضیه خسارات وارده داشته باشد یا نداشته باشد و وضعیت آئین دادرسی در اینگونه موارد برای این است که مدعی خسارت را ثابت میکند و عدم رعایت قانون و نظامات را هم ثابت میکند و ارتباط این عدم رعایت قانونی بالنتیجه نیز باید بوسیله مدعی ثابت شود و تازه دعوی تمام نیست چون مدعی علیه میتواند و میبایست باو حق داده شود که عکس آنچه مدعی میگوید ثابت کند

مسئولیت حقوقی

یعنی در محکمه ثابت کند که ارتباطی بین عدم رعایت قانونی یا نظامات و خسارت وارده نبوده است.

در مورد عدم رعایت قوانین و نظامات و مسئولیت حقوقی که از آنها مترتب میشود نظریه دیگری است که نسبت بمرتکب همراهتر میباشد :

این نظریه عبارتست از اینکه صرف عدم رعایت قوانین و نظامات را یکی از مستندات و یا شواهد وجود تسامح می شمارد و مدعی را ملزم میدانند که وجود تسامح را در مدعی ثابت کند و البته جزء دلایل و براهین عدم رعایت قوانین و نظامات پذیرفته میشود اما عدم رعایت قوانین و نظامات بخودی خود تسامح محسوب نیست.

رویه ای که در ایران پیروی شده از حیث مسئولیت حقوقی چندان روشن نیست و چون مسئولیت حقوقی تابع قسمت جزائی آن قرار گرفته باید اول مسئله جزائی را سنجید :

در مورد قانون تشدید مجازات رانندگان عدم رعایت نظامات مثلا صرف نداشتن پروانه رانندگی ممکن است عواقب فوق العاده وخیمی را در برداشته باشد و اگر محکومیت جزائی مرتکب دلیلی و سند برای مسئولیت حقوقی او باشد وضعیت مرتکب فوق العاده سخت و ناگوار خواهد شد و تحت آن قانون حتی فرصت دفاع هم در مورد وجود عدم تسامح ممکن است پیدا نکند یعنی یکنوع مسئولیت مطلق ایجاد شده است

قبل از آنکه وارد بحث در مخاطرات بشویم بلکه بجاست که چند کلمه درباره مفهوم دیگری که شاید بی ارتباط با مفهوم تسامح نباشد گفته شود و آن مفهوم وظیفه است. در فوق ذکر شده که کسی که رعایت قوانین و مقررات و نظامات قانونی را نمیکند مسئول عواقب حقوقی و خسارتهائی است که بردیگران وارد میشود.

یک امر عادی و طبیعی است که قوانین برای مقاصد مختلف ولی حفظ عموم وضع شده اند بنابراین کسانی که با عدم رعایت قوانین موجب خسارت شده اند باید از عهده غرامت برآیند اما موارد استثنائی که در فوق بحث شد البته باید بحساب بیایند.

اطاعت قوانین وظیفه کلیه افرادی است که قوانین بر آنها مجرا است کسیکه این وظیفه را محترم نشمرد و بردیگران خسارت وارد سازد میبایست از عهده غرامت برآید.

وظیفه واقعا در مقابل حق قرار میگیرد. اگر کسی در تحت قوانین حقی برای خود قائل است باید وظایف آنرا نیز قبول کند. بنابراین اگر نص صریح قانونی گفته چراغ را میبایست در سمت بخصوصی اتومبیل آویخت و کسی بوظیفه خود عمل نکرد و خسارت بردیگران وارد آورد میبایست از عهده غرامت برآید.

البته در مواردیکه نصوص قوانین وظایف مردم را تعیین میکند مسائل مطروحه شبیه بمسائلی خواهد بود که در فوق باختصار بحث شد ولی اگر نص وجود نداشت آیا مردم نسبت بیکدیگر اجتماع وظایف عادی ندارند آیا میتوان گفت که مردم در اجتماع

مسئولیت حقوقی

بمیل واراده خود و بدون داشتن هیچگونه وظیفه نسبت به مردم دیگر زندگی میکنند ظاهراً جواب باین سؤال منفی است .

این فوق العاده معقول است که اشخاص در اجتماع نسبت بهم وظایفی دارند که گرچه در نص قوانین دیده نمیشود ولی بی اندازه اهمیت دارد و بدون چنین وظایف اجتماع دگرگون میشد .

مثلاً شاید در نص هیچ قانونی نتوان یافت که باید در آشپزخانه به طریقی کار کرد که دودش دائماً بچشم همسایه نرود حال آیا میتوان با دود همسایه را کور کرد و اگر کسی از آشپزخانه خود دائماً دود ناسطوعی بیرون داد آیا میتوان بمحکمه رفت و گفت طرف وظیفه خود عمل نمیکند

آیا میتوان او را محکوم بالنزاع خودداری از ایجاد دود کرد و آیا میتوان از او غرامتی گرفت و گفت وجود دود موجب خسارت شده و خسارتی که خانه همسایه را غیر قابل سکنی کرده .

بموجب عقل عادی بشری و اصول عادی زندگی اجتماعی اشخاص نسبت بیکدیگر وظایفی دارند که معمولاً در نص قوانین نمیتوان یافت و این وظایف از حیث درجه و نوع بستگی بمخاطراتی دارند که عملیات آنها برای دیگران تولید کند

مثلاً یکنفر که شغلش خراب کردن عمارات و وسیله آن مواد منفجره میباشد بمخاطرات زیادی را ایجاد میکند و بنا بر این وظائف سنگین تری دارد . مفهوم عملیات فوق العاده خطرناک که در فوق بحث شد خود نتیجه همین وظیفه است که افراد در موقع ایجاد مخاطرات بر عهده دارند

تا اندازه ای معقول است که هر کسی در هر عملی که باشد مقداری مخاطرات برای دیگران ایجاد میکند و بنا بر آن وظایفی را بر عهده دارد اما سؤال مهم این است که چه نوع مخاطراتی و چه وظایفی را برای چه اشخاصی و در تحت چه شرایطی ایجاد میکنند و بالاخره نوع خسارت قابل جبران است .

همانطوریکه هر کس در زندگانی خود بمخاطراتی را ایجاد میکند . بنسبت همان وظایفی را برای احتیاط و رعایت حال دیگران عهده دارد واضح است که انسان دارای محدودیتهائی است . این محدودیتی است که فکر و عقل یک فرد عادی برای او ایجاد میکند چشم از حد معینی دورتر نمیبیند گوش از فواصل دورتر نمیشود حال میتوان توقع کرد که در حین زندگی عادی تمام افراد دورتر ببینند و یا صداهای نشیدنی را بشنوند این خلاف انصاف است بنا بر این محدودیت در چه مسئولیت و بالتسبب درجه وظیفه نیز تغییر میکند و بستگی دارد بمحدودیت های بشری در تحت شرایط مختلف یعنی ما نمیتوانیم بگوئیم تمام اشخاص باید اقلاً پنجاه متر دید داشته باشند و در موقع مه این فاصله بیست متر تقلیل مییابد بلکه تحت موقعیت های مختلف ممکن است فاصله پنجاه متر را بیشتر کرده و یا کمتر بهر حال مخاطرات ایجاد شده و وظایفی که از آن مترتب میشود محدود است بقوای یکمرد عادی معقول یا آنچه قدیم قتها میگفتند عاقل و بالغ و کامل در تحت شرایط مخصوص .

مسئولیت حقوقی

بنابراین اگر احتیاطی که در تحت همین شرایط مرد عاقل و بالغ و کاملی پیش بینی میکرد عمل شده باشد بر مدعی علیه حرجی نیست اما این احتیاط و بالاخره وظیفه نسبت باشخاص مختلف فرق میکند. احتیاطی که برای مسافر یک اتوبوس لازم است با آنچه برای حفظ راه‌گذر لازم است فرق دارد. و با احتیاطی که برای راه‌گذر لازم است با آنچه برای مسافرین که در کنار محل مخصوص صف کشیده‌اند تا شوار شوند فرق میکند بعد از آن تازه مسئله اینکه تا چه حد مخاطرات و وظایف قابل پیش بینی است و در تحت شرایط مختلف چه صورتی بخود میگیرند باید طرح شوند.

این معیار و مقیاس و سردعاقل که اساس مسئولیت حقوقی است قابل گنجایش در یک جمله و یا حتی چند صفحه تفصیل نخواهد بود. وظیفه احتیاطی که یک نفر نانوا برای خوبی نان خود و یا حفظالصحه کارکنان خود و یا مشتریان خود بر عهده دارد با آنچه شرکت هواپیمارانی و یا اتوبوس رانی و یا اغذیه فروشی سرگذر و یا کالباس سازی و یا کنسروسازی و یا لیمونادسازی برعهده دارند فرق کلی دارد و همه را با یک چشم نمیتوان دید شاید یک مثال مسئله را قدری روشن تر کند.

تصورکنیم در سرخیابان از یک فروشنده یک بطری لیموناد خریده‌اید که بتوشید وقتی سر آنرا باز میکنید یک بچه قورباغه در داخل آن مبینید و یا قدری روغن اتومبیل در بالای آن قرار گرفته و باین نتیجه حالتان بهم میخورد. حال مسئولیت آن باکی است با فروشنده سرگذر است و یا با سازنده لیموناد است. فروشنده سرگذر میگوید من بیگناهم چون عین آنچه بمن تحویل شده بفروشم این مسئله را واقعاً میتوان بنحوی دیگر طرح کرد. آیا وظیفه سازنده لیموناد بفروشنده‌گان سرگذر ختم میشود یا این وظیفه بعموم بطور کلی است. شاید وضع فروش لیموناد و یا مثلاً کنسرو سیوهجات طوری است که سازنده اصلی مسؤول است و گرنه فروشنده سرگذر فقط وسیله‌ای است حال تصور کنیم که در رستورانی یکقطعه شیرینی تر دستور داده‌اید در موقع خوردن یک میخ در یکی از آنها بوده و دندان شما را شکست کی مسؤول است رستوران یا سازنده شیرینی تر یا کیک و آنهم با تصور اینکه شیرینی و کیک را همان وقت مستقیماً از شیرینی پزی آورد باشند آیا نوع شیرینی از کنسرو طوری فرق میکند که بگوئیم مسئولیت یکی بعهده سازنده است و دیگری فروشنده‌گان حد وسط.

ممکن است مثال را از نوع دیگر زد. تصور کنیم اتومبیل تانکر بنزین متعلق بشرکت ملی نفت آمده که بنزین در انبار پمپ خیابانی بریزد و اتومبیلهای مختلف مشغول بنزین گیری میباشند حال شوهر تانکر بی احتیاطی کرد مثلاً سیگار کشید و بنزین های روی زمین آتش گرفت ولی او زرتگی کرد و کت خود را روی آتش انداخت و آتش تقریباً خاموش شد. در اینموقع شوهر دیگری که در نزدیکی بود از ترس فرار کرده و پایش بکت خورد و آنرا رد کرد و آتش شعله‌ور شد و کت آتش گرفت که بر پای او پیچیده شده بود همراه برد تا بیست قدم و بالاخره انبار بنزین آتش گرفت. مردم اطراف از ترس و وحشت فرار میکنند و فریاد میزنند در آنطرف خیابان بفاصله صد متر رستورانی قرار گرفته و عده مشغول

مسئولیت حقوقی

خوردن غذا هستند هیا هو فوق العاده مردم در اثر آتش سوزی بگوش مشتریهای رستوران میرسد و همه فرار میکنند خانمی در ته رستوران روی صندلی نشسته بود که هم آستن بود و هم بچه در بغل داشت از جای برمیخیزد که فرار کند پایش بیک صندلی گیر میکند و زمین میخورد . هم سقط جنین میکند و هم بچه زخمی میشود و روز بعد شرکت ملی نفت را که بمحاکمه میکشند اول برای سقط جنین و بعد برای جراحت بچه که متعلق بدیگری بود آیا شرکت نفت مسؤل است ؟

در اینکه شرکت ملی نفت وظیفه داشت و وظیفه او بود که احتیاطات لازم را بکنند کسی حرفی ندارد و در اینکه اینجا بی احتیاطی کرده بود نیز حرفی نیست و بنا بر این مسؤل است . حال آیا با خانم بخصوص مسؤلیتی داشت . اگر دامنه هیا هو با نظرف شهر میکشید و بچه در خانه خود میترسید و در موقع لب پنجره آمدن چراغ نفتی را بزیمین میانداخت و خانه میسوخت باز شرکت ملی نفت مسؤل بود .

در اینکه شرکت ملی نفت چون با بنزین سروکار دارد باید خیلی با احتیاط باشد و مقیاس معقولانه احتیاط در چنین موارد زیاد است هیچگونه حرفی نمیتوان داشت اما دامنه مسؤلیت را تا کجا باید اجازه داد و وسعت پیدا کند که حس وظیفه شناس و عدالت بشری تحمل آرا داشته باشد . بنا بر این عواملی که در هر مورد بخصوص پیش میاید و موقعیت مدعی و مدعی علیه بخصوص در حکم قضیه خیلی مهم و مؤثراند و اینکه بگوئیم حدود مسؤلیت و وظیفه همان انسان عاقل و کامل است واقعاً مسئله را حل نکرده ایم . در مثال فوق میتوان گفت که چون شوfer بعدی ترسیده بود و کت آتش گرفته را بانبار بنزین رسانده شرکت ملی نفت مسؤل نیست و چنانکه خیلی رسم است که گفته شود آیا میتوان گفت چون شوfer شرکت نفت بی احتیاطی کرده بود سببیت وجود ندارد و شرکت نفت اساساً مسؤل هیچگونه پیش آمدی از این قبیل نیست و نخواهد بود این نویسنده ناچیز جوابی برای سؤالات مطروحه در این مختصر را ندارد که بدهد در واقع جوابی هم نیست که مقنع باشد چاره جز تحقیق در اطراف مسئله بخصوص پس از پیش آمد آن نیست و چاره جز دیدن مسائل اجتماع یا چشم قضاوت و حق بینی نیست . نه میتوان اشخاص را بی مسؤلیت رها کرد و نه میتوان مسؤلیت غیر معقول بر آنها بار کرد و معیار و مقیاس مسؤلیت و وظیفه معقول نیز بستگی به موقعیت بخصوص دارد .

سببیت

آنچه تابعال از آن ذکر شده ولی بطور استتار بان اشاره شده ارتباط بین خسارت وارده و عمل مدعی علیه است واضح است که اگر شخصی در خانه خود تسامحی در کار خود داشته باشد و شخص دیگری در محل دیگری بععل دیگر خسارت خورده باشد این دو بریکدیگر حقی ندارند اما اگر بنحوی از انحاء خسارت یکی اثر عمل دیگری بود شخص عاقل مسؤل است و الب مهم اینست که در چه موقع عمل یکی سبب خسارت دیگری شده .

در منطق علت و معلول و سبب و مسبب ممکن است کاملاً حل و بعث شده باشند

مسئولیت حقوقی

و بالتجربه در فکر منطقی تعیین این ارتباط بین خسارت و عمل شخص عامل هیچ اشکالی نداشته باشد. اما در قانون و بخصوص مسائل مربوط به مسئولیت حقوقی سببیت خیلی مشکل و پیچیده است و اجتماع ما هم اصولاً اجتماع پرنسپقی نیست و بالاخره قانون ما که ارتباط با اجتماعمان دارد خیلی علم منطقی را نمی‌تواند تعقیب کند. مثلاً روز بروز تعداد شرکتها در اجتماع رو به افزایش است. شرکتها شخصیت حقوقی مستقل دارند ولی بوسیله اشخاص اداره میشوند بطوری تعداد شرکتها رو به افزایش است که بزودی تقریباً تمام عملیات عام المنفعه و آنچه باعموم تماس دارد بوسیله شرکتها اداره میشود. حال وضعیت مسئولیت حقوقی شرکت در مورد عملیات کارکنان آنها چیست مثلاً در مورد مثال فوق آیا شرکت نفت بهیچ وجه مسئول عملیات راننده‌های خود نیست بقرض اینکه در انتخاب آنها دقت معقول کافی کرده باشد یعنی شخصی را که پروانه رانندگی دارد استخدام کرده و سفارشات و تعلیمات لازم را نیز باو داده. اگر بگوئیم بین عملیات راننده و کارکنان شرکت و خود شرکت ارتباط نیست بزودی تمام عملیات بدون مسئول و اشخاص بدون غرامت می‌مانند. تمام عملیات مهم و خطرناک بوسیله شرکتها انجام میگیرد آیا میتوان گفت که آنها مسئول عملیات کارکنان خود نیستند چون سببیت بین عمل شوقر و شرکت نیست و در این صورت مردم با شرکتهای طیاره رانی و راه آهن و اتوبوس رانی و باربری و نوشابه و اغذیه سازی و هزاران عمل و تجارت دیگر چیست اگر ممکن بود در پشت پرده شرکت پنهان شد و از مسئولیت حقوقی فرار کرد نظام اجتماع بهم میخورد یا اساساً مثل قسمتی از اجتماع ما نظامی بخود نمی‌گرفت.

حال اگر بگوئیم بین عملیات کارکنان شرکتها و خود شرکتها رابطه سببیت وجود دارد میتوان اشخاص عادی غیر شرکت را از این قاعده مستثنی کرد مثلاً گفت شرکتها مسئول حقوقی عملیات رانندگان خود هستند ولی اشخاص طبیعی چنین مسئولیتی ندارند اینهم غیر ممکن است تمام اشخاص باید مسئول حقوقی عملیات کارکنان خود باشند اما در صورتیکه درحینیکه شخص گماشته و یا کارگر برای آن شخص بخصوص کار میکند این رابطه سببیت بین کارکنان و کارفرمایان در اساس و اصول قانونی است اما چنین نتیجه را از طریق دیگر میتوان گرفت. تصور کنید کسی سوار اتومبیل سواری ولی کرایه میشود تا از شمیران به تهران بیاید بین او و راننده که معمولاً مالک اتومبیل است مذاکراتی میشود مسافر سوار میگردد. از نظر حقوقی ارتباط بین این شخص و راننده یک قرارداد است که راننده شخص را از شمیران در مقابل یک تومان به تهران برساند و طرفین تقریباً میدانند در کدام محل تهران. مسافر نمیتواند ادعا کند که او را به میدان اعدام برساند و در ضمن راننده مسافر را در قلهک نیز نمی‌تواند پیاده کند عقدی بین این نفر بسته شده که طرفین باید اطاعت کنند. حال اگر شخصی مسافر سوار اتوبوسی شد که متعلق است بشرکت اتوبوس رانی تهران چه نوع عقدی بین او و راننده است و یا بین او و شرکت برقرار است. آیا عقد بین او و راننده است و یا بین او و شرکت راننده که اختیاری ندارد راننده از طرف شرکت آنجا و طائفی دارد عقد مسافر با شرکت است عین همان عقد بین مسافر با شرکت طیاره رانی است و با پنگاه راه آهن است نه با راننده طیاره ولو کومتیتف. این

مسئولیت حقوقی

عقد دارای شرایط مختلف است از جمله میگوید که مسافر را باید به نقطه معینی برساند و گاهی هم بطور ضمنی مدتی برای آن قائل است حال اگر اتومبیل مذکور در راه تصادف کرده و در قلهک مانند آبا شرکت باید این مسافرا را به تهران برساند واضح است که جواب آن مثبت است حال اگر شوفر در راه مریض شد شرکت باید شوفر دیگر در سرکار بگذارد. عقد بین مسافر است و شرکت و شرکت ملزم است مطابق عقد بنحوی که قانون آن عقد را تعبیر و ترجمه میکند عمل کند. آیا معقول است بگوئیم شوفر اتوبوس نمایندگی برای بستن عقد با مسافر نداشته. البته خیر تنها وجود او پشت رل کافی است و نمایندگی او را از طرف شرکت برای بستن عقد حمل و نقل مسافر محرز کند. اگر شوفر در کار خود کوتاهی کرد آیا شرکت میتواند مدعی شود که شوفر نماینده آن نبوده. البته خیر شوفر بهرحال در حین انجام وظیفه نماینده شرکت است.

حال اگر شوفر در بین راندن تسامح کرد چنانکه اساساً جرمی هم نبود و حتی خلاف هم مرتکب نشد ولی میتوان گفت انسان معقول مرتبی در چنین موقعیتی بنحود دیگر عمل میکرد که مانع پیش آمد می شد. آیا در این تسامح که آثار حقوقی و یا خسارت نیز از آن مترتب بوده شوفر بخودی خود مسئول است و شرکت هیچ مسئولیتی ندارد. جواب سؤال بنظر این نویسنده ناچیز واضح است و آن این است که شرکت مسئول تمام خساراتی است که شوفر وارد می سازد ولی بشرط اینکه در حین عمل بکار شرکت مشغول بوده باشد. البته کسانی هستند که می گویند رابطه سببیت وجود ندارد یعنی شرکت مسئول خسارات وارده از تسامح شوفر نیست. اگر این تسامح مانع رسیدن مسافر به مقصد بود البته شرکت مسئول خواهد بود چون قرارداد بسته مسافرا را به مقصد برساند یا باید غرامت کرایه را بدهد. اینجا سببیت کاملاً روشن است ولی آیا معقول است اگر بگوئیم در صورتیکه عدم رسیدن مسافر بقصد شکستن پایش بود و یا خسارت از نوع دیگر بود شرکت مسئول نیست.

خلاصه مسئله سببیت عمل عامل و کارفرمای عامل یعنی شوفر و شرکت از سه راه مختلف حل میشود اولاً اصل قانون که کارفرما را بطور کلی مسئول خسارات وارده وسیله کارکنان خود میدانند ثانیاً عقد که بسته به موقعیت تصادف و وضع و نوع کار شامل شرایط ضمنی خواهد بود و ثالثاً اصل نمایندگی که خود یک نوع قرارداد ممکن است از آن استنتاج کرد.

البته همیشه مسائل مربوط باینکه چه موقع چه کسی نماینده و یا کارگر و یا در حالی برای کارفرمای بخصوصی مشغول کار است خود از مسائل پیچیده و مشکل است ولی ناچاریم یعنی تمدن و اجتماع ما را مجبور میکند که کارفرما را مسئول عملیات و خسارات کارگر خود بدانیم ولی البته مادامیکه آن کارگر که در حین عمل مشغول کار و انجام وظیفه برای کارفرمای مسئول خود باشد

اینجا باید ذکر می کرد که در این صورت ظلمی بر کارفرما نشده. مثلاً کارفرمای اتوبوس که شرکت اتوبوسرانی است برای تمام مسئولیتهائی که باین طریق بر آن واقع می شود ممکن است چند شاہی روی تمام بلیطهای خود بکشد یعنی عموم بالاخره خسارات

مسئولیت حقوقی

وارده را میدهند. و همچنین کارخانه مثلاً گلسیرین سازی قیمت گلسیرین خود را هر کیلوئی پنج ریال گرانتر می‌کند و در مقابل خسارات وارده بوسیله کارکنان گلسیرین سازی را از مصرف‌کننده گلسیرین که خودکارخانه‌های دیگر هستند وصول میکند. در این صورت هم خسارت دیده‌که شخص بیگناهی است خسارت خود را گرفته و هم شوهر و یا کارگر دیگر که ممولا چندان گناهی در مسئله تصادف ندارد و موجب اصل آن خود ماشین و جزء - یتجزای تمدن امروزی ما است از هستی ساقط نشده و هم مسائل مربوط به تعقیب کیفری شخص عامل ازین نرفته و بالاخره تمام این مؤسسات خود را بیمه میکنند و شرکت بیمه حساب خیلی دقیق و مشکل تصادفات و غرامتها را خواهد کرد.

این مسئله سبب اینچا خاتمه نمی‌پذیرد و سوالات مشکل‌تر طرح میکند مثلاً در چه موقع چه خسارتی بخصوص نتیجه چه تصامحی است خود از مسائل لایحل است در مثال شرکت نفت مذکور در فوق آیا می‌توان گفت شرکت نفت مسئول مرگ یا زخمی شدن بچه‌ها است که در بغل خانم آبستن در رستوران می‌باشند. آیا میتوان گفت که شرکت مسئول سوختن خانه ته شهر بعلمت حرکت بچه و ریختن چراغ نفتی است حتی در صورتیکه بچه مذکور بر اثر شنیدن صدای هیاهوی تصادف به پشت پنجره آمده بود که تماشا کند. بعبارت اخری حدود این مسئولیت کی و کجا ختم میشود آیا شرکت نفت میتواند بگوید من مسئول خسارتی که غیر قابل پیش بینی است و عقل سلیم آنرا دور و غیر قابل قبول میدانم نیستم شاید چنین محدودیتی معقول باشد و لازمه کار اجتماع نیز باشد ولی جز در مسائل مخصوصیکه در پیش محاکم مطرح میشوند نمی‌توان گفت در کجا محدودیت مسئولیت باید ختم شود اما چاره نیست که حدودی برای این قائل شویم.

این مسئله محدودیت از سواردی است که مقرض قضاوت لازم دارد و بسته بموقعیت و وضع تصادف در دعوای مخصوصی است که باید طرح و حلای شود.

مفاد قانون مدنی و جزا راجع به مسئولیت حقوقی

ماده ۲ قانون اصول محاکمات جزا مقرر میدارد که ادعای خصوصی برای مطالبه ضروریان شخصی است و ماده ۹ همان قانون هر کسی را که از وقوع جرمی متحمل ضروریان شده است و در ضمن ادعای عمومی مطالبه غرامت و خسارت مدعی خصوصی محسوب کرده ولی هیچ وجه ادعای ضروریان خصوصی را سوکول به وقوع جرم و مجرمیت متهم نکرده بلکه رسیدگی بعرضحال ضروریان را در محاکم جزا منوط به تعقیب متهم در این محاکم نموده و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر خسارتی وارد شده آثار حقوقی ضروریان داشت ولی جرمی واقع نشده بود یا بعلمی آثار عمومی جرم غیر قابل تعقیب یا اسقاط شده بود حق حقوقی کسی که خسارت دیده از بین نه‌رود و میتواند بمحاکم حقوقی رجوع کند.

در محاکم حقوقی باید دعوای بر اساس قانون مدنی طرح شوند و در قانون مدنی مباحث تسبیب خیلی یا اختصار بحث شده‌اند. مواد ۲۲۸ و ۲۳۰ که راجع به اتلاف اند شخص متلف را ضامن میداند و نوع ضمانت شبیه بان چیزی است که در این مقاله تحت عنوان مسئولیت مطلق بحث شد مثلاً ماده ۳۲۸ مقرر میدارد که هر کس مال غیر را تلف

مسئولیت حقوقی

کند ضامن آن است اعم از اینکه بعد بوده یا غیر از آن حتی ذکر می هم از تسامح نکرده یعنی بهر حال اگر تلف کرد ضامن است خواه احتیاط کافی مبذول داشته باشد خواه نداشته باشد بنابراین ماده ۲۲۸ تقریباً اصل مسئولیت مطلق را برای اتلاف محرز میسازد ولی در مبحث بعدی قانون برای کسی که سبب تلف مالی شده باشد تا اندازه ارفاق قائل شده یعنی تحت ماده ۲۳۲ مقرر میدارد که اگر یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف آن مال بشود مباشر مسئول است مگر سبب اقوی باشد. این ماده خیلی مسئله را مشکل و پیچیده میکند چون لازم است تشخیص داده شود چه کسی مسبب و چه کسی مباشر و در چه مواقعی سبب اقوی است. در بسیاری از موارد نمیتوان مسبب را پیدا کرد و نه مباشر را تا به قوت سبب چه رسد.

اما قسمت آخر ماده ۲۲۲ که برای تعیین و تشخیص مباشر از مسبب رجوع بر عرف میکند وسیله خوبی بدست محاکمی میدهد که نظر مساعد در مورد مسئله داشته باشند مثلاً همه میدانند که شرکت سهامی تلفن ایران باصرار و ابرام دلایل مثبت سعی میکند مالکیت و اختیار خود را روی سیمها و نمرات تلفن حفظ کند اما محاکم گفته اند که عرف و عادت هر تلفن را در تهران به چهار هزار تومان قیمت گذاشته و بنابراین عرف و یا قیمت تامادامیکه موجود است اجرا شده محال است اگر محاکم یا محکمه گفت که مثلاً در تصادف آتش سوزی شرکت نفت که در فوق ذکر شد عرفاً دانسته شده که سبب اقوی است و راننده شرکت که مباشر بوده بیگناه است و بالاخره استیناف تأیید کرد و حکم ابرام و اجرا شد اصل مسئولیت حقوقی شرکت نفت در مقابل مسامحات کارکنانش محرز شده و این خود شروعی است برای وسعت دادن به اصل مسئولیت حقوقی و بعبارت اخیری ماده ۳۳۲ وسیله خوبی است برای جستن از روی مانع شوق و یا کارمند و کارگر و رسیدن شرکت که معمولاً در ایران در پشت پرده محفوظ است و تصادفات بطور کلی بدون غرامت می مانند چون کارگر مورد نظر توانائی پرداخت ندارد و کارفرما نیز میگوید که مباشر او بوده و شرکت مسئول عملیات او نخواهد بود.

بردن قانون صحیح بمجلس و گذراندن آن از مسائل فوق العاده مشکل برای ایران است و امید اینکه قانون خوبی راجع به بیمه یا مسئولیت حقوقی از مجلس بگذرد آنقدر آتیه نزدیک وجود ندارد اما نصوص قوانین جزا و مدنی گرچه فوق العاده مختصر اند راه رابر محاکم بسته اند محاکم که بیشتر از مجلسین با مسائل روزمره زندگی امروز طرف هستند و ناچار بحل و فسخ آنها میباشند باید فکرشان بازتر و توجهشان عمیق تر باشد.

ماده ۲۳۵ طرفی را که عمد یا سامحه او باعث خسارت شده مسئول میدانند اما بعلت وجود مباشر یا مسبب از کارگر به کارفرما رد نمی شود و بالنتیجه خسارتی هم وصول نمی شود در قانون ایران مسئولیت عامل عمل محرز است اما معمولاً این مسئولیت بی نتیجه است چون برعهده مباشر می افتد. محاکم و وکلا میبایست اصرار کنند تا از این گیر و یا پیچ مباشر و مسبب بگذرند و به کارفرما برسند تا بالاخره مسئولیت حقوقی عمومیت پیدا کند و بوسیله بیمه و یا سرشکن کردن مخارج غرامتها به روی قیمتها و عموم تا حدودی هم غرامت

مسئولیت حقوقی

دیدگان بی اجر نمانند و هم‌کسی از هستی ساقط نشود. این نوع مسئولیت بیشتر یا حس نوع دوستی و انسانیت موافقت دارد تصادفات که موجب خسارات میشوند همیشه ممکن است منسوب به مباشری بشوند ولی بطور کلی نتیجه تمدن و زندگی اجتماعی ما است و تمام اجتماع باید بار آنرا بر دارند نه یک شوفر فقیر.

در ایران تا بحال وبخصوص در مورد پیش‌آمد فوت در اثر تصادف عامل رانندگی تحت ماده ۱۷۷ جزا تعقیب میکنند و می‌گویند قتل غیر عمد است مثلا راننده اتومبیل را تحت این ماده تعقیب میکنند و مدعی خصوصی برای دریافت غرامت عرض حال ضروریان میدهد مدعی خصوصی ممکن است یکی از اعضای خود را از دست داده باشد ولی حتما از راننده دیناری نمی‌تواند وصول کند اعم از وجود عمد و ثبوت آن و یا عدم وجود عمد و چون مسئله جزائی است بکارفرما بپیچ وجه نمی‌توان رجوع کرد. در ایران بنابراین امیدی نیست جز محاکم با فکر بازتری ماده ۳۲۲ را بنگرند و عرفا اقوی بودن سبب را وسعت بدهند ولی البته این دلیل نیست که قانون مخصوصی برای مسئولیت حقوقی نداشته باشیم و یا اینکه با نظر مساعدتری از طرف محاکم غرامات و خسارات لازم را تحت بحث نسبت قانون مدنی از کارفرما دریافت کنیم ولی باید در نظر داشت که این بحث منوط است به اتلاف مال و بنابراین به خسارات آتیه و یا خسارات به مال غیر موجود و یا به سلامتی شخص اطلاق نمی‌شود تردیدی نیست که قوانین ایران راجع به این موضوع بسیار نارسا می‌باشد اما آن اندازه هم که ممکن است و قوانین راه را باز گذاشته‌اند و کلا وقضات از آن استفاده نکرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

